



مقایسه نظریه های یادگیری با سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

امیر محمد صالحی

دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی ، دانشگاه پردیس شهید باهنر اصفهان

amirmohammdsalehii@gmail.com

۰۹۱۳۸۰۱۵۸۵۶

چکیده :

یادگیری پایه و اساس آموزش و پرورش و یکی از مهمترین زمینه ها در روانشناسی امروز و درعین حال یکی از مشکل ترین مفاهیم برای تعریف کردن است. کسب دانش و اطلاعات، عادت های گوناگون، مهارت های متنوع و راه های گوناگون حل کردن مسائل صورت های گوناگون تعریف یادگیری اند. یادگیری فرایندی پیچیده است که افراد از دیدگاه های مختلف به بررسی آن پرداخته اند و هر یک جنبه ای از یادگیری را به تصویر کشیده است . پژوهش حاضر به روش توصیفی – تحلیلی و با هدف بررسی نظریه های یادگیری در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش انجام شده است . هریک از این نظریه های یادگیری بر نوع خاصی از یادگیری تأکید می کند . رفتارگرایی در آموزش مفاهیم و مهارت ها در ارتباط با بازی های رایانه ای و شبیه سازی های رایانه ای ، شناخت گرایی در ارتباط با استفاده از پیش سازمان دهنده و نقشه مفهومی ، فراشناخت گرایی در ارتباط با یادگیری اجتماعی و ساخت گرایی در ارتباط با روش های یادگیری فراگیر محور مانند آموزش مبتنی بر حل مسئله و یادگیری مشارکتی کاربرد دارد. در سند تحول بنیادین نیز توجه خاصی به بحث ضرورت و راهکارهای تحول و بهره وری در تعلیم و تربیت ، با تأکید بر بکارگیری انواع شیوه های یادگیری نوین و فعال شده است

واژگان کلیدی: یادگیری ، نظریه ، سند تحول بنیادین



۱. مقدمه

از جمله مهمترین و اساسی ترین جنبه زندگی انسان ، تعلیم و تربیت است . وجود موقعیت جغرافیایی خوب و دارا بودن منابع و معادن گوناگون ، صرفا به عنوان ویژگی های یک جامعه سالم به شمار نمی آید ، بلکه جامعه ای سالم است که نظام تعلیم و تربیت پویا ، با نشاط و مترقی داشته باشد و در این چنین نظامی است که تربیت انسان هایی اخلاق گرا ، مستقل ، نوآور و آزاد صورت می گیرد که منجر به تعالی و رشد جامعه می گردد . (محمدی ، کیخا و علیپور ، ۱۳۹۵)

بدون تردید، یکی از اصلی ترین رسالت ها و دلایل شکل گیری نظامهای تربیتی و توسعه آن به شکل کنونی، تربیت و آماده سازی شهروندانی متعهد، فعال، مسئولیت پذیر، مشارکت جو، خلاق، مسئله گشا، اهل تفکر و تأمل، دارای روحیه تفکر انتقادی، مهارتهای فراشناختی و اجتماعی و دارای ارتباطی قوی است . افرادی که نه تنها ارزشهای مطلوب جامعه را دارند، بلکه بتوانند برای بهسازی و ارتقای فرهنگ جامعه تلاش مؤثری بکنند . در سایه چنین برداشتی است که از نظر مربیان بزرگ تعلیم و تربیت از جمله جان دیویی ، هارولد راگ و جورج کونتز ، مدرسه نه تنها مکان آماده شدن برای زندگی، بلکه در حقیقت مکانی برای تمرین زندگی واقعی و تجربه عملی در عرصه های مختلف آن است . به عبارت دیگر، مدرسه مکانی برای یادگیری حقوق و مسئولیت های شهروندی است. (فتحی و اجارگاه ، ۱۳۸۵) و آنچه در اینجا بسیار حائز اهمیت است این است که وظیفه نظام تعلیم و تربیت در فرآیند آموزش، تنها انتقال واقعیت های علمی نیست ؛ بلکه باید موقعیت مطلوب یادگیری را فراهم نماید .

تعریفهای گوناگونی که درباره یادگیری انجام گرفته نشان می دهند که هنوز تعریف جامع و یکدستی که برای همه روان شناسان با نظریه های مختلف پذیرفتنی باشد به دست نیامده است. اما بسیاری از روان شناسان و پرورشیکاران معتقدند که « یادگیری تغییری است که بر اثر تجربه یا آموزش در رفتار موجود زنده پدید می آید ». در این تعریف مهمترین واژه ای که نظر را به خود جلب می کند واژه تغییر است. زیرا رفتار فرد در زمانی که چیزی نیاموخته با زمانی که آن چیز را، آموخته است تفاوت دارد. واژه مهم دیگر رفتار است. زیرا تغییر رفتار با ابعاد بدنی مانند طول و عرض و قد و وزن بدنی ارتباط ندارد، بلکه بیشتر معلوم یادگیری است، نه دگرگونیهای بدنی. (حیدری ، ۱۳۸۹)

با توجه به نکته های یاد شده مشاهده می شود که دگرگونیهای ناشی از رشد طبیعی، بازتابها، پاسخهای خستگی، تاثیر داروها از نوع یادگیری نیستند. همچنین، دگرگونیهایی که نتوانند تغییری در رفتار داشته باشند یادگیری به شمار نمی آیند. مانند زمانی که تجربه یا اندیشه ای، احساس یا طرز فکر ما را تغییر می دهد. اما هیچ گونه اثر آشکاری در رفتار ندارد. هیلگارد روان شناس معروف، گرچه یادگیری را دارای دو جنبه نهان (نظری) و نمایان (کارنمودی) می داند، ولی تصریح می کند که یادگیری فقط از جنبه نمایان یا عملکردی آن حاصل می شود. از سوی دیگر روان شناسانی هستند که یادگیری از دگرگونیهای نسبتاً پایدار در توانایی، گرایش یا ظرفیت پاسخدهی عنوان کرده اند. با این تعریف مشاهده می شود که یادگیری پیش از تغییر رفتار پدید می آید. البته موجود زنده زمانی می تواند پاسخ لازم را بدهد که توانایی و ظرفیت دادن پاسخ را دارا باشد. بسیار اتفاق افتاده است که معلم موضوعی مانند حل مساله را می خواهد به شاگرد بیاموزد که مشهود نیست. انسان فقط نتیجه اندیشیدن یا حل مساله را مشاهده می کند، نه فرایندهای ظاهری آنها را. در این مورد علاقه معلم این است که شاگرد توانایی و استعداد انجام دادن رفتار را به نحو خاصی پیدا کند تا رفتار نمایان و معینی را. ممکن است ادعا شود که حل مساله عبارت از یک رشته الگوهای پاسخدهی مشخص است و پاسخها نهان هستند تا نمایان. اما در حقیقت وقتی شاگرد چیزی می آموزد فقط رفتارش تغییر نمی یابد، بلکه استعداد پاسخ دادن او در اوضاع و احوال آینده نیز تغییر پیدا می کند.

آموزش و پرورش به عنوان اساسی ترین نهاد تربیتی کشور پایه گذار شخصیت دینی، علمی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نسل آینده است. اما متأسفانه این نهاد مهم در کشور، آن گونه که باید و شاید، پاسخگوی نیازهای گسترده جامعه در راستای اهداف و آرمانهای بلند انقلاب اسلامی نبوده، و تربیت نیروی انسانی مؤثر با مشکلات نظری و عملی فراوانی روبرو شده است. رهایی از کاستی ها و ناکارآمدی های موجود، و دستیابی به آموزش و پرورش پویا، موفق و اثربخش، نیازمند تحول عمیق و ریشه ای در این نهاد گسترده و سرنوشت ساز است، تا با بازخوانی و بازتولید تمام عوامل مؤثر پیدا و نهان این نظام، بتوان با استفاده بهینه از فرصتها، منابع و امکانات، تحقق اهداف را تسهیل و تسریع کرد. (خنیفر ، ۱۳۸۹)



تحول در نظام آموزش و پرورش موضوعی علمی بر اساس مبانی نظری گسترده ای است که با کلیت نظام آموزش و پرورش و مباحثی نظیر اصلاح، نوآوری، تغییر و ارتقا در ارتباط است. لازمه تحول، نواندیشی هایی در تعریف مجدد آرمانها، اهداف، نتایج و دستاوردهای آموزش و پرورش است که با روی کارآمدن یک نظام فلسفی علمی و مبتنی بر هویت دینی و ملی ممکن می شود. بنابراین در نظام آموزشی از یک سو پویایی نظام می تواند با تغییر و اصلاح و نوآوری شروع شده و با تاثیر بر ارتقای نظام به تحول در نظام آموزشی ختم شود و از طرف دیگر، امکان ارتقا نظام آموزشی با تحول در رویکردهای نظری و باز تعریف آرمانها و دستاوردهای نظام آموزشی فراهم می آید. (عسگری، ۱۳۹۰) در این راستا سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران یکی از اسناد معتبر در نظام جمهوری اسلامی ایران است که در سال ۱۳۹۰ توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی تصویب و برای اجرا به آموزش و پرورش ابلاغ گردید. سند ملی تحول بنیادین نقشه راه آموزش و پرورش است که توسط صاحب نظران با مشارکت متخصصان عرصه تعلیم و تربیت تدوین و تصویب شده است. برنامه های تدوین شده در این سند در جهت ایجاد تحول، بر حول هشت گام اصلی تحول پی ریزی شده است، یعنی کار با ایجاد فوریت و ضرورت آغاز شده و با تشکیل تیم راهنما و ترسیم دورنما و چشم انداز ادامه می یابد و با رساندن پیام تحول به دیگران و کنار زدن موانع اجرایی به نقطه عطف خود رسیده و با کسب پیروزی های کوچک و سریع تا رسیدن به هدف نهایی و فرهنگ سازی ادامه می یابد. کارنامه آموزش و پرورش بیانگر آن است که متولیان آن در دوره های گوناگون به عنوان عاملین تحول، تغییرات متعددی را در حیطه های گوناگون از جمله: نظام آموزشی، کتب درسی، نظام ارزشیابی، شیوه های تدریس، سیستم مدیریت و ... را در دستور کار خود داشته و به اجرای آن اهتمام ورزیده اند.

سرمدی و بهرامی (۱۴۰۲) در پژوهشی به بررسی جایگاه یادگیری به شیوه مشارکتی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش پرداخته و نشان دادند در سند تحول بنیادین برخی از اهداف و راهکارها بر یادگیری مشارکتی تاکید دارند و در سند تحول بیش از پیش یادگیری مشارکتی مورد توجه قرار گرفته است. در نهایت فعالان عرصه فرهنگ و تعلیم و تربیت باید به کار تیمی در مدارس اهمیت بیشتری داده و دانش آموزان را به هدایت مهارت های کار تیمی تجهیز کنند و تلاش کنند که با یک تربیت اجتماعی صحیح و در عین حال فعال، ظرفیت کار تیمی را ارتقاء داده و از این طریق به اجتماعی شدن متربیان کمک کنند.

روستا و محمودی (۱۳۹۸) در تحقیق خود به بررسی نقش آموزش و یادگیری ترکیبی در تحقق اهداف سند تحول بنیادین پرداخته و بیان کردند آموزش و یادگیری ترکیبی در تحقق اهداف و ابعاد قابل توجهی از سند تحول بنیادین نقش دارد از جمله این اهداف و ابعاد سند تحول بنیادین می توان به استفاده از رسانه و فناوری اطلاعات، آموزش غیرحضوری و مجازی، عدالت آموزشی، توجه به تفاوت های فردی، تنوع در ارائه خدمات آموزشی و محیط های یادگیری، کسب علم، مسئولیت پذیری، تقویت خودباوری در مربی، اجتماعی شدن یادگیرنده، خلاقیت و نوآوری، تفکر، درک و کشف پدیده ها، فعال بودن یادگیرنده اشاره کرد.

۲. روش شناسی

پژوهش حاضر با هدف بررسی نظریه های یادگیری در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به شیوه توصیفی و از نوع کتابخانه ای انجام شده است و با توجه به روش پژوهش، جامعه آماری پژوهش شامل کلیه اسناد، مدارک و منابع مرتبط با موضوع مورد بررسی از قبیل کتب، مقالات و پایان نامه ها می باشد.

۳. بحث درباره یافته ها

یادگیری امری متداول و جاری در زندگی روزمره انسان و برخی جانداران عالی است که با توجه به وقوع آن در زمینه های گوناگون زندگی باید برای آن نوعی ارزش سازشی زیستی در نظر گرفت چنان که آن را به منزله ابزار یا فرایندی سازشی برای ارزیابی و تغییر سازنده به منظور پیشبرد امور و کنش های مختلف می توان تلقی کرد. با در نظر گرفتن این نکته که انسان از بدو تولد درگیر تعامل با پیرامون خویش است، یادگیری را در جای جای زندگی و در همه شئون آن می توان یافت.



ماهیت یادگیری به طور کلی فعالیتی دگرگون‌ساز است که افراد را برای مقابله با رویدادها و سازش با محیط آماده می‌سازد و در موقعیتهای مختلف و در اکثر سطوح زندگی حیوانی از بازتابهای شرطی جانوران پست تا فرایندهای پیچیده شناختی افراد آدمی رخ می‌دهد. انسان که کاملترین و پیشرفته‌ترین موجود کره زمین است، هنگام تولد ناتوان‌ترین و درمانده‌ترین آنهاست و با بیشترین استعدادها برای یادگیری قادر است از تجربه‌های خود به بهترین وجه سود جوید و پاسخها و تجربه‌های آموخته او مهمترین اندوخته‌های رفتاریش را تشکیل می‌دهند. یادگیری در واقع هم یک رشته فرایند است و هم فرآورده تجربه‌ها. بعضی از فرایندهایی که در داد و ستد بین موجود آدمی و محیط انجام می‌گیرد عبارتند از احساس و ادراک، یادآوری، نمادسازی، اندیشه‌های مجرد و تخیلی و سرانجام رفتار. یادگیری را نباید منحصرأ به صورت پیشرفته‌های مواد درسی که در کانونهای آموزشی انجام می‌شود تصور نمود. وقتی کودکی بتواند توبی را بگیرد یا آن را پرتاب کند، راه برود، حرف بزند، یا آنکه نوجوانی دوچرخه‌سواری و موتور سواری کند و یا وقتی مادری از نوع گریه کودک خود به نیاز خاص یا ناراحتی او پی ببرد، در همه این حالتها بی‌شک امر یادگیری به وقوع می‌پیوندد. گرچه گروهی از افراد به سبب آنکه این گونه رفتارها با درس و مدرسه سر و کار ندارند آنها را یادگیری نمی‌دانند. یادگیری در حقیقت دارای مفهوم بسیار گسترده‌ای است که در قالبهای دگرگونی، عادت شکنی، ایجاد علاقه، نگرشهای نو، درک ارزش، ذوق و سلیقه و پیشداوری یا جب و بغض پدیدار می‌شود. همچنین، شیوه ترکیب و کاربرد معلومات در استدلال، تفکر، نظریه‌پردازی، حل مسئله، احساس و عواطف عمیق انسانی، خودشناسی و دگرگونیهایی که در کل شخصیت به وجود می‌آیند همه از یادگیری مایه می‌گیرند. (حیدری، ۱۳۸۹)

۳-۱. نظریه‌های یادگیری و کاربرد آنها در آموزش

بحث نظریات یادگیری از یک میراث غنی و متنوعی برخوردار است. قریب صد سال پیش مبحث یادگیری زیر سلطه نظریات فلسفی قرار داشت. از جمله فلسفه ارسطو و افلاطون. با نخستین بررسی‌های آزمایشی که توسط «ابینگهاوس»، «پاولف» و «ثرندایک» به عمل آمد، روشهای تحقیق در علوم طبیعی در مسائل یادگیری نیز مورد استفاده قرار گرفت و بر مبنای انبوه مدارک علمی که حاصل کار آزمایشگاههای روان شناسی در نقاط مختلف جهان بود، نظریه‌های جامع‌تر و اصول دقیق‌تری در مبحث یادگیری ارائه گردید. نظریه‌های یادگیری نحوه یادگیری فراگیران را توصیف می‌کند. این نظریه‌ها را می‌توان به چهار رویکرد کلی رفتارگرایی، شناختگرایی، فراشناختگرایی و ساخت‌گرایی تفکیک کرد. نمی‌توان گفت که یکی از این رویکردها نادرست و دیگری صحیح است. توجه و استفاده از هر یک از آنها به معلم و نگرش‌های وی، شرایط یادگیری، خصوصیات فراگیران و اهداف آموزشی بستگی دارد. علاوه بر این، همه این عوامل چند بعدی هستند، بنابراین باید با هدف دستیابی به روشهای تدریس کارآمد و بهترین نتایج یادگیری برای همه فراگیران، رویکرد یا رویکردهای مناسب در آموزش در نظر گرفته شود.

۳-۱-۱. رفتارگرایی

نظریه غالب نیمه اول قرن بیستم بر اساس نظریه اسکینر است و به عنوان رویکردی به آموزش و یادگیری بر رفتار قابل مشاهده و اندازه‌گیری تأکید می‌کند. رفتارگرایی با اصل «پاسخ - محرک» تعریف می‌شود. رفتار یادگیرنده در اثر محرکهای خارجی ایجاد می‌شود و می‌تواند بدون در نظر گرفتن حالات آگاهی درونی و روانی توضیح داده شود. (Buragga, Dhir, Boreqqah, 2013) از آن جایی که ایده اصلی رفتارگرایی آن است که یادگیری شامل تغییر در رفتار به دلیل اکتساب، تقویت و استفاده از ارتباطات بین محرکها از محیط و پاسخهای قابل مشاهده فرد است. بنابراین تعیین اهداف آموزشی و تبدیل آن به اهداف رفتاری دقیق می‌تواند بسیار مهم و حائز اهمیت باشد. مکانیزم‌های این نظریه عبارتند از:

- **تقویت مثبت یا پاداش در نظریه یادگیری رفتارگرایی:** پاسخهایی که پاداش داده می‌شوند احتمالاً تکرار می‌شوند. به عنوان مثال، نمرات خوب، مطالعه دقیق را تقویت می‌کنند.



- **تقویت منفی در نظریه یادگیری رفتارگرایی:** پاسخ‌هایی که از موقعیت‌های دردناک و نامطلوب اجتناب می‌کنند، احتمالاً تکرار می‌شوند.
- **خاموشی یا عدم تقویت در نظریه یادگیری رفتارگرایی:** پاسخ‌هایی که تقویت نمی‌شوند احتمالاً تکرار نمی‌شوند. برای مثال، نادیده گرفتن سوء رفتار دانش‌آموز این رفتار را از بین می‌برد.
- **تنبیه در نظریه یادگیری رفتارگرایی:** پاسخ‌هایی که عواقب دردناک یا نامطلوب به همراه دارند، سرکوب می‌شوند اما اگر تقویت تغییر کند، ممکن است دوباره ظاهر شوند. به عنوان مثال، تنبیه یادگیرندگان که با تأخیر به کلاس می‌آیند با سلب امتیازات، تأخیر آن‌ها را متوقف می‌کند.

کاربردهای نظریه یادگیری رفتارگرایی در آموزش و پرورش :

نظریه رفتارگرایی از یادگیری برای اصلاح رفتار در مدیریت کلاس درس، در شرایط بالینی و در توسعه آموزش برنامه‌ریزی شده قابل استفاده است. در محیط‌های یادگیری حمایت شده با تکنولوژی، تغییر آشکار در رفتار در فعالیت‌های تکرار و تمرین و ارزیابی تکوینی نمایان است، که بازخورد فوری و مثبت، تمایل به ادامه فعالیت را تا پایان تقویت می‌کند. این موارد، اشکال آموزش برنامه‌ریزی شده هستند که در آن، تمرین به صورت سؤال (محرک) - جواب (پاسخ) شکل می‌گیرد، دانش‌آموز را در معرض یادگیری در مراحل تدریجی قرار می‌دهد، که با سؤالات ساده‌تر شروع می‌شود (برای تقویت مثبت) و به تدریج به سمت سؤالات دشوارتر پیش می‌رود.

۳-۱-۲. شناخت‌گرایی

شناخت‌گرایی بر فرآیندهای ذهنی متمرکز است. تغییرات مشاهده شده در رفتار برای آگاهی در مورد آنچه که در ذهن دانش‌آموز اتفاق می‌افتد، مورد استفاده قرار می‌گیرد. شناخت‌گرایی از نارضایتی منتج از مشکلات نظریه یادگیری رفتارگرایی برای توضیح جنبه‌های شناختی یادگیری ناشی شد. نظریه‌پردازان شناختی معتقدند که بیشتر یادگیری شامل پیوندهایی است که از طریق مجاورت و تکرار ایجاد شده‌اند. آن‌ها همچنین اهمیت تقویت را تأیید می‌کنند، گرچه بر نقش معلم در ارائه بازخورد در مورد صحت پاسخ‌ها و به عنوان یک مشوق تأکید می‌کنند.

برای نظریه‌پردازان شناختی یادگیری کسب و بازسازی ساختارهای شناختی است که از طریق آن اطلاعات پردازش و در حافظه ذخیره می‌شوند. نظریه‌های شناختی یادگیری بر این باور تأکید دارند که یادگیری یک فرایند درونی است که ممکن است به صورت تغییر فوری در رفتار آشکار ظاهر نشود. نظریه‌پردازان شناختی معتقدند که یادگیری به صورت توانایی در فرد ایجاد و در حافظه او ذخیره می‌شود و هر وقت که بخواهد چه بلافاصله پس از یادگیری و چه بعد از گذشت زمان می‌تواند آن توانایی را مورد استفاده قرار دهد. ویژگی دیگر نظریه‌های شناختی این است که برخلاف نظریه‌های رفتاری که بر نقش محیط در تغییر رفتار و یادگیری تأکید می‌کنند، برای یادگیرنده در ایجاد یادگیری نقش مهم‌تری قائل هستند. نظریه‌های شناختی شامل نظریه گشتالت، آزوبل و بندورا است. صاحب‌نظران این رویکرد، یادگیری را ناشی از شناخت، ادراک و بصیرت می‌دانند. بدین ترتیب که آموخته‌های جدید فرد با ساخت شناختی قبلی او تلفیق می‌گردد. چون یادگیری، یک جریان درونی و دائمی است و انسان همواره به جستجوی محیط زندگی خویش و کشف روابط بین پدیده‌ها می‌پردازد.

الف. نظریه یادگیری گشتالت

بنیان‌گذار روان‌شناسی گشتالت، دانشمند آلمانی ماکس ورتایمر است و منظور از گشتالت، شکل، انگاره یا طرح است. معنی گشتالت در این نظریه آن است که کل از اجزای تشکیل‌دهنده آن بیشتر است؛ یعنی کل، دارای خواص یا ویژگی‌هایی است که در اجزای تشکیل‌دهنده آن یافت نمی‌شود و از خیلی جهات، تعیین‌کننده خصوصیات اجزا است. یادگیری در این رویکرد، عبارت است از



بینش حاصل از درک موقعیت یادگیری به عنوان یک کل یکپارچه و آن هم از طریق کشف روابط میان اجزای تشکیل دهنده ی موقعیت یادگیری حاصل می شود.

ب. نظریه یادگیری معنی دار کلامی

این نظریه توسط دیوید آزوبل روان شناس آمریکایی مطرح شده است. در این نظریه، ساخت شناختی عبارت است از مجموعه ای از اطلاعات، مفاهیم، اصول و تعمیم های سازمان یافته ای که فرد قبلاً در یکی از رشته های دانش، آموخته است. معنی نیز در اینجا، نقش مهمی دارد که به وجود نوعی قرینه یا معادل ذهنی برای یادگیری ها در ساخت شناختی یادگیرنده، وابسته است. یک مطلب هنگامی معنادار است که قابل ارتباط دادن با مطالبی باشد که از پیش در ساخت شناختی یادگیرنده وجود دارد. به همین قیاس، یادگیری معنی دار از راه ایجاد ارتباط بین مطالب تازه و مطالب قبلاً آموخته شده، به وجود می آید. هنگام یادگیری مطلب تازه به صورت معنی دار، آن مطلب جذب ساخت شناختی یادگیرنده می شود، این جذب شدن مطالب در ساخت شناختی شمول نام دارد.

در روش آموزشی آزوبل، پیش سازمان دهنده ها، نقش اصلی را بر عهده دارند. پیش سازمان دهنده، مجموعه ای از مفاهیم مربوط به مطلب یادگیری است و هدف آن در جلب توجه یادگیرنده به مفاهیم عمده ی مطلب مورد یادگیری است. روابط میان مطالب را برجسته می سازد و مطالب جدید را به آنچه قبلاً کسب شده، ربط می دهد.

ج. نظریه اجتماعی - شناختی

بنیان گذار این نظریه، آلبرت بندورا، روان شناس کانادایی است. او می گوید عوامل شخصی (نظیر باورها، انتظارات و نگرش ها)، رویدادهای محیطی (فیزیکی و اجتماعی) و رفتارهای (عملی و کلامی) فرد با یکدیگر تأثیر متقابل دارند و هیچ یک از این سه جزء را نمی توان جدا از یکدیگر به عنوان تعیین کننده رفتار انسان به حساب آورد. وی این تعامل سه جانبه را تعیین گری متقابل نامیده است؛ یعنی رویدادهای محیطی بر رفتار تأثیر می گذارد، رفتار محیط را تحت تأثیر قرار می دهد و عوامل شخصی بر رفتار اثر می گذارد و برعکس. در این نظریه، گفته شده است که یادگیرنده از طریق مشاهده رفتار دیگران به یادگیری می پردازد. وقتی یادگیرنده، رفتار شخص دیگری را مشاهده می کند که آن شخص برای انجام آن رفتار، پاداش یا تقویت دریافت می نماید؛ آن رفتار توسط فرد مشاهده کننده، آموخته می شود. به این نوع تقویت، تقویت جانشینی می گویند. (اسمعیلی، ۱۴۰۲)

۳-۱-۳. فراشناخت گرایي

با پیدایش روانشناسی تربیتی به معنی امروزی آن در ارتباط است و در واقع باید فراشناخت را یکی از مراحل تکامل نظریه ها و تئوریهای روانشناسی تربیتی دانست. فراشناخت عبارت است از آگاهی فرد بر نظام شناختی خود و کنترل و هدایت آن. در شناخت را معمولاً در ادبیات روان شناسی، مترادف با تفکر می آورند. بنابراین، فراشناخت را می توان آگاهی بر جریان تفکر و کنترل و هدایت آن هم تعریف کرد. جریان شناخت در نظریه روانشناسی، شناخت انسان را عبارت می دانند از: دریافت، پردازش، نگهداری و انتقال اطلاعات. فراشناخت فعالیتی است که کنش های مربوط به چهار عنصر یاد شده را در بر می گیرد و بر آنها نظارت دارد. بنابراین بر اساس این رویکرد معلمان در مدارس باید ابتدا دانش آموزان را به روش دریافت، پردازش، نگهداری و انتقال درست اطلاعات فراخوانند و سپس آنها را ترغیب کنند تا جریان فعالیت های ذهنی را که انجام می دهند، مورد بازنگری و اصلاح قرار دهند.

فراشناخت در فرآیند یادگیری نقش بسیار مهم در بهبود و گسترش عملکردهای شناختی دارد و می تواند مهارتهای یادگیری فراگیران را توسعه بخشد. به عبارتی فراگیر باید در یادگیری خود نقش فعالی ایفا کند و یاد بگیرد که یادگیری خود را ارزیابی کند و اگر راهبردهای یادگیری اش موفق نبود، از راهبردهای جدید استفاده کند. (Rainie, Wellman & Networked, 2012)

یکی از روشهای مهم کسب مهارتهای فراشناختی و شناختی که در بین متخصصان خواندن و درک مطلب اهمیت زیادی دارد، روش تدریس دو جانبه یا متقابل است که پدید آورندگان اصلی این روش بر این باورند که با استفاده از آن می توان به دانش آموزان دارای مشکلات خواندن و فهمیدن کمک کرده تا بر مشکلات خود فائق آیند. روش تدریس متقابل به صورت گروه اجرا می شود. در



این روش یادگیری مشارکتی، دانش‌آموزان ماهر و ضعیف و مبتدی در استفاده از راهبردها ارتباط متقابل دارند، با استفاده از این روش می‌توانند از طریق برنامه ریزی، نظارت و ارزیابی راهبردها نتیجه عملکرد یادگیری خود را کنترل کنند

۳-۱-۴. ساختگرایی

شامل نظریه‌های جدید و منحصر بفرد یادگیری بر اساس نظریه کارل راجرز بر پایه دیدگاه او در مورد یادگیری معنادار بنا شده است. در این نظریه ساختگرایان معتقدند که یادگیری فرایندی فعال و اکتشافی است که بر تولید، کنترل و تعمیم دانش توسط یادگیرنده تأکید می‌کند. به عبارت دیگر یادگیری از طریق تجربه ساخته می‌شود، بنابراین یادگیرنده سازنده دانش است. یادگیرنده با ایجاد، تفسیر و ساخت دانش جدید از طریق پیوند دادن اطلاعات جدید به دانش و عقاید قبلی خود عمل می‌کند. در این روش فراگیر به صورت فعال در جریان تدریس درگیر و روش یادگیری، مبتنی بر عملکرد فراگیر است. در این روش که روشی فعال است، کار تیمی بسیار اهمیت دارد و نقش معلم برای فراهم آوردن شرایط پویای یادگیری مهم است. یادگیری مشارکتی و یادگیری اکتشافی به خوبی با این رویکرد قابل تبیین هستند. تحقیقات نشان دادند که یادگیری مشارکتی در مقابل روشهای تدریس متداول تأثیری قابل توجه داشته و نشان دهنده موفقیت این روش یادگیری است و یادگیری مشارکتی برای تغییر مفهومی در مفاهیم آموزش اثر بخش است. (Van Der Rhee, Verma, Plaschka, Kickul, 2007)

۴. نتیجه گیری

تحول در سیستم آموزش و پرورش از جمله موضوعاتی است که بیشتر نظامها و جوامع همواره آن را مد نظر قرار می‌دهند و از آنجا که زیرساخت هر نوع توسعه‌ای در کشورها را می‌توان در نظام تعلیم و تربیت آن جستجو کرد، پس ایجاد تحول در این بخش از ضروریتهای مهم و اساسی به شمار می‌رود. لازمه تحول، نواندیشی‌هایی در تعریف مجدد آرمانها، اهداف، نتایج و دستاوردهای آموزش و پرورش است که در این راستا سند تحول بنیادین در جهت ایجاد تحول، بر حول هشت گام اصلی تحول پی ریزی شده است و متولیان آن در دوره‌های گوناگون به عنوان عاملین تحول، تغییرات متعددی را در حیطه‌های گوناگون از جمله: نظام آموزشی، کتب درسی، نظام ارزشیابی، شیوه‌های تدریس، سیستم مدیریت و ... را در دستور کار خود داشته و به اجرای آن اهتمام ورزیده‌اند. در این جهت کاربرد نظریه‌های یادگیری که هر کدام بر نوع خاصی از یادگیری تأکید می‌کند، در فرآیند آموزش و پرورش بر ایجاد تحول نقش موثری دارد. اما باید توجه کرد که هیچ یک از نظریه‌های یادگیری کامل نیستند و هر کدام بر نوع خاصی از یادگیری تأکید می‌کنند. بنابراین بهتر است از تلفیقی از این نظریه‌ها برای آموزش و تدریس بهره گرفت.

منابع

اسمعیلی، صلاح. (۱۴۰۲). کاربرد نظریه‌های یادگیری در آموزش، <https://ardavan-majidi.ir/learning-theories>
حیدری، احمد. (۱۳۸۹). نظریه‌ها و سبک‌های یادگیری، <https://island-1364.blogspot.com/1389/01/27/post->
2

خنیر، حسین. (۱۳۸۹). مبانی تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش، دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش
روستا، سیدمهدی و محمودی، مهدی. (۱۳۹۸). نقش آموزش و یادگیری ترکیبی در تحقق اهداف سند تحول بنیادین، ششمین
کنفرانس بین‌المللی دستاوردهای نوین پژوهشی در علوم انسانی و مطالعات اجتماعی و فرهنگی، اصفهان
سرمدی، محمدرضا و بهرامی، سمیرا، ۱۴۰۲، جایگاه یادگیری به شیوه مشارکتی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، نهمین
همایش ملی مطالعات و تحقیقات نوین در حوزه علوم تربیتی، روانشناسی و مشاوره، تهران
عسگری، ا. (۱۳۹۰). ضرورت‌ها و چالش‌های پیش روی تحول بنیادین در آموزش و پرورش،
<http://www.padidehtabar.com/fa/news/2710>



فتحی واجارگاه، کورش . (۱۳۸۵) . تربیت شهروندی، رسالت مغفول نظام آموزش و پرورش ، فصلنامه نوآور یهای آموزشی، ۱۷ (۵) ، ۷ – ۱۰

محمدی ، یحیی ؛ کیخا ، علیرضا؛ علیپور مقدم ، خدیجه . (۱۳۹۵) . طراحی برنامه درسی متعادل با رویکرد برنامه ریزی درسی فطری و معنوی ، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، سال بیست و چهارم، دوره جدید، شماره ۲۳

Buragga K, Dhir A, Boreqqah AA. (2013) ,Facebook an open education platform: **Exploring its educational uses**. In *International Conference on Human-Computer Interaction* , Jul 21 (pp. 18-22).

Rainie H, Wellman B. *Networked: (2012) ,The new social operating system*. Cambridge, MA: Mit Press; Apr 27

Van Der Rhee B, Verma R, Plaschka GR, Kickul JR. (2007) , **Technology readiness, learning goals, and eLearning: Searching for synergy**. *Decision Sciences Journal of Innovative Education.*; 5(1):127-49.